



حقوق جامعه اقلیت دینی و مذهبی در تاریخ معاصر ایران

رضا شعبانی صمغ آبادی
استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
annahita.shabani45@gmail.com

سیده زهرا کاووسی
دانشجوی دکتری رشته تاریخ، دانشگاه آزاد تبریز، ایران
zahrakavousi66@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹،۱۱،۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰،۰۶،۰۱

۳

چکیده

مطالعه حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های قومی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشانگر آن است که علیرغم فقدان الگوی مشخص و منسجم و عدم استفاده از مدل‌های رایج جلب و تأیید مشارکت اقلیت‌ها در این سند حقوقی، حقوق گروه‌های مذکور به روش‌های مختلفی مطرح شده و محفوظ مانده است. در قانون اساسی کشورمان سه گروه قومی، اقلیت دینی، اقلیت مذهبی از یکدیگر متمایز شده‌اند و در حالی که اقلیت قومی با دو گروه دیگر قابل جمع است برای هر یک به طور جداگانه حقوقی مطرح شده که باهم جمع پذیرند. در کنار اکثریت مسلمان در کشور ایران، اقلیت‌های غیر مسلمان نیز وجود دارند که با داشتن تابعیت ایران، از اعضای ملت محسوب می‌شوند. این مقاله درصدد تبیین حقوق خاص و ویژه اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی ایران است که اقلیت‌های دینی برای برخورداری از تساوی حقوقی، برای حفظ و پاسداری از خصایص فرهنگی دینی خود خواهان اقداماتی با حمایت دولت هستند که در قوانین ایران به آن پرداخته شده است. در این مقاله بر آن هستیم تا به واکاوی حقوق جامعه اقلیت دینی و مذهبی ایران در تاریخ معاصر پردازیم که روش گردآوری اطلاعات نیز از طریق کتابخانه‌ای و فیش برداری می‌باشد.

واژگان کلیدی: اقلیت، دینی، مذهبی، قانون اساسی، تبعیض نژادی.

مقدمه

احترام به حقوق اقلیت‌ها و تلاش در رفع تبعیض و نقض حقوق حقه‌ی آنان، یکی از مسائل مبتلا به حقوق بشر دنیای ما است. به جرأت می‌توان گفت امروزه نمی‌توان کشوری را یافت که تمام تابعیتش یکدست باشد و در آن کشور اقلیت معنا و مفهومی نداشته باشد. از سوی دیگر، در دنیای کنونی که تمام کشورها سعی می‌کنند جایگاه خود را از نظر حقوق بشر ارتقاء بخشند، رعایت حقوق اقلیتها میتواند یکی از معیارهای مهم این ارزشگذاری باشد. وضع حقوقی اقلیت‌ها و گروههای قومی خود، هم می‌تواند محرکه تنش باشد و هم فرونشاندۀ آن تلقی گردد. در عین حال، چنین چیزی بازتاب ایدئولوژی حکم نیز بوده است و نقش عامل ایدئولوژیک و تفکر حاکمان کمتر از عوامل دیگر نیست. مبحث حقوق اقلیتها، از یک لحاظ امری جدید و امروزی است و از جنبه دیگر می‌توان گفت که حداقل در اسلام ریشه طولانی دارد. در اسناد حقوق بشر و شهروند فرانسه، از انسان، فارغ از تعلقات گوناگون او سخن به میان می‌آید. آنچه که بیش از هر چیز نظرها را به حقوق و وضعیت اقلیتها جلب کرد، تاثیر آنها در وقوع دو جنگ جهانی بود. در دوران پس از جنگ اول، نخستین سند حقوقی مربوط به حقوق اقلیتها، پیمان ۱۹۳۸ مربوط به منع و مجازات نسلکشی بود و بعد از آن هم اسناد گوناگونی در مجامع جهانی، برای حفظ حقوق اقلیتها به امضاء رسیده است. حقوق اقلیت‌های دینی در قوانین ایران، تا پیش از پیروزی انقلاب مشروطه در ۱۲۸۵ش، تابع مسائل سیاسی و تحت فرمان شاهان بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در قانون اساسی اقلیت‌های مذهبی به مذاهب شیعه و سنی تبدیل شده و اقلیت‌های دینی شناخته شده به اقلیت‌های زردشتی، کلیمی و مسیحی (ارمنی و آشوری) محدود شدند. سوال اصلی حاضر در مقاله این می‌باشد که اقلیت‌های دینی و مذهبی ایران در تاریخ معاصر چه جایگاه حقوقی داشتند که در راستای تایید فرضیه این سوال باید عرض کرد که وضعیت و جایگاه حقوقی اقلیت‌ها امروزه بسیار پیشرفت کرده است و به لحاظ انسان بودن و برابری حقوق همه افراد بشر، باید حقوق آنان همانند اکثریت رعایت شود.

۲- کلیات

قبل از شروع بحث مورد نظر لازم است مفهوم واژه اقلیت بررسی شود و برای درک بیشتر جایگاه حقوق اقلیت‌ها در اسلام و اسناد بین‌المللی به صورت مختصر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۲-۱- تعریف و مفهوم اقلیت^۲

یکی از نخستین مشکلات مربوط به حقوق اقلیتها، مبهم بودن واژه اقلیت است که تا به حال تعریف رسمی در مورد آن صورت نگرفته است. دبیر کل سازمان ملل در سال ۱۹۴۹ در یادداشتی تحت عنوان «تعریف و

^۲. Minority

دسته بندی اقلیتها» سعی در تعریف این واژه می‌نماید و می‌گوید: «در عمل نمی‌توان به ارائه مفهومی ادبی برای تعریف اصطلاح اقلیت اکتفا کرد. در واقع باید تمامی اجتماعاتی را که در داخل کشور زندگی می‌کنند از جمله خانواده‌ها، طبقات اجتماعی، گروه‌های فرهنگی، اشخاصی که به زبان‌های محلی صحبت می‌کنند و سایر گروه‌های مشابه را اقلیت نامید و چنین تعریفی هیچ فایده‌ای در بر نخواهد داشت». برخی معتقدند هر گاه افرادی با یک تفکر و هدف خاصی دور هم جمع شوند و تمام تلاش‌شان رسیدن به همان هدف باشد و از حیث تعداد، کمتر از اکثریت جامعه باشند، اقلیت هستند. بنا بر نظر کاپورتورتی (گزارشگر برای مسئله اقلیتها)، برای تعریف واژه اقلیت به سه نکته باید توجه کنیم: ۱- قلت عددی اقلیت‌ها نسبت به بقیه جمعیت کشور ۲- عدم تسلط بر جامعه ۳- قصد عمومی گروه اقلیت در حفظ ویژگی‌های خاص خود. (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۳۴)

واژه اقلیت دربرگیرنده اقلیت‌های قومی، زبانی، فرهنگی، نژادی، مذهبی و... است. اقلیت به گروهی تلقی می‌شود که نسبت به بقیه جمعیت دولت از نظر تعداد کمتر هستند و به دلیل ویژگی‌های قومی، مذهبی یا زبانی از بقیه متفاوت می‌باشند و برای حفظ فرهنگ، سنت‌ها، مذهب یا زبان‌شان حس همبستگی با یکدیگر را دارند. مفهوم اقلیت مخصوصاً در حقوق بشر بین الملل با مفاهیمی مثل اتباع بیگانه، کارگران مهاجر، پناهندگان و آوارگان در تداخل است. اینها داخل در اسناد بین المللی حقوق بشر نمی‌باشند و هر کدام شمول قانون و مقررات مخصوص خود می‌باشند. (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۶) اهل کتاب ساکن در جامعه اسلامی که از احترام، امتیازات و حقوقی بهره‌مند هستند را نیز اقلیت‌های دینی می‌گویند.

۲-۲- جایگاه حقوق اقلیت‌ها در اسلام

پیامبر اسلام (ص) به حقوق اقلیت توجه ویژه‌ای داشتند و در قرآن کریم نیز احترام بر این قشر واجب می‌باشد. در اسلام می‌گویند که پیرو یکی از ادیان یهودی، مسیحی، زرتشتی و یا زیدی بوده و دارای تابعیت یک کشور اسلامی و مقیم دائم در آنجا باشند را اهل کتاب می‌دانند. البته مراد از اهل کتاب یهودیان و مسیحیان هستند. زرتشتیان نیز بدون اشکال به ایشان ملحق می‌شوند. دیگر کفار به هیچ وجه از اهل کتاب شمرده نمی‌شوند. در مجموع کلیه شهروندان وطن اسلامی از دو گروه خارج نیستند: ۱- مسلمانانی که بر حسب اعتقاد در برابر قانون مسئولیت و حقوق برابری دارند. ۲- افراد غیرمسلمان که با شرایط خاص طبق معاهده دو جانبه با مسلمانان متحد و تشکیل ملت واحد داده‌اند که می‌توانند از حقوق مساوی در برابر قانون و دیگر مزایای شهروندی بهره‌مند می‌شوند.

اگر اهل کتاب به شرایط ذمه ملتزم شدند، جان و مال و ناموسشان محفوظ خواهد بود. آنها با پرداختن جزیه که یک نوع تعهد مالی است از امنیت و آزادی (دینی و حقوق مدنی)، البته به میزان جزیه برخوردار خواهند بود که توسط ولی امر تعیین می‌شود و شرایط ذمه نیز مطابق صلاحدید او خواهد بود. در مجموع حقوق اسلامی آزادی، حیثیت، مال، حافظ جان، به عنوان یک اصل دینی همه شهروندان اعم از مسلمان و غیرمسلمان خواهد بود. اگرچه حقوق اسلامی در رفتار با اتباع مسلمان و غیرمسلمان تفاوت‌های جزئی قائل است. اما در

بسیاری از موارد وضع غیرمسلمانان بهتر است. برخی از حقوق و مزایای اتباع غیرمسلمان عبارت است از اینکه: غیرمسلمانان از پرداخت مالیات مازاد اموال و خدمات لشکری معافند و جزیه فقط به مردان تعلق می‌گیرد. سالخوردگان از کار افتاده و نابینایان و دریافت کنندگان صدقه نیز از پرداخت جزیه معافند. برخی از فقها معتقدند اگر یکی از اهل کتاب مرتکب قتل غیرعمد شود و توانایی پرداخت دیه را نداشته باشد، دیه مقتول باید از بیت مسلمین پرداخت شود. غیرمسلمانان اعم از اینکه اهل کتابی باشند که حاضر به قبول شرایط ذمه نشده باشند و دیگر کفار مشرکین، کافر حربی محسوب می‌شوند واجب است اسلام برایشان عرضه شود. اگر اسلام را نپذیرفتند واجب است با ایشان جهاد شود و جنگ با ایشان تا زمانی که اسلام بیاورند یا کشته شوند ادامه خواهد داشت.

احکام اهل ذمه در موارد ذیل منافی آزادی عقیده و مذهب است: اول اینکه اهل ذمه موظفند فرزندانشان را آزاد بگذارند تا خود راهشان را انتخاب کنند. دوم، اهل ذمه آزاد نیستند کنیسه، کلیسا و صومعه و آتشکده احداث کنند. سوم، اهل ذمه آزاد نیستند دین خود را تبلیغ و ترویج نمایند و عقاید مسلمانان را سست کنند. چهارم، به طریق اولی اهل ذمه آزاد نیستند تا تعالیم اسلامی را مورد نقد قرار دهند. پنجم، اهل ذمه آزاد نیستند تا اموری که در دین ایشان مباح شمرده می‌شود ولی در اسلام حرام است را به طور علنی انجام دهند. ششم، اهل ذمه آزاد نیستند دین خود را به غیر اسلام به مسیحیت، یهودیت تغییر دهند والا کشته می‌شوند. هفتم، اهل کتاب آزاد نیستند در صورت نقض شرایط ذمه، در جامعه اسلامی بمانند. فزون بر اینها حسن سلوک حضرت پیامبر ص با اهل کتاب و از جمله مباحله حضرت با جمعی از رؤسای مسیحیان و کشیشان، حاکی از رفتار توأم با انصاف، رحمت و عدالت می‌باشد. (نادر پور، مقصودی، ۱۳۹۲: ۱۴۴-۱۴۰)

۲-۳- جایگاه حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل و اسناد بین‌المللی حقوق بشر

در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، نامی از اقلیت برده نشده، ولی بر تساوی همه افراد بشری و برخورداری آنان از حقوق و آزادی‌های اساسی بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب تصریح شده است. در مقدمه و مواد ۵۵، ۱۳ و ۷۶ منشور ملل متحد و ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد آمده است. برخی از اسناد بین‌المللی نیز بطور مشخص و ویژه به حقوق اقلیتها اختصاص دارد که از آن جمله می‌توان اسناد زیر را برشمرد: کنوانسیون محو هر گونه تبعیض نژادی مصوب سال ۱۹۶۵ مجمع عمومی، کنوانسیون منع مجازات ژنوساید ۱۹۴۸، کنوانسیون ضد تبعیض در تعلیم و تربیت یونسکو ۱۹۶۰، مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ در مورد تبعیض در استخدام و اشتغال مصوب سازمان بین‌المللی کار ۱۹۵۸، اعلامیه محو هر نوع ناپردباری و تبعیض بر اساس مذهب مصوب سال ۱۹۸۱ مجمع عمومی و اعلامیه مربوط به حقوق افراد متعلق به اقلیتهای ملی، نژادی، مذهبی و زبانی مصوب سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی علاوه بر مقررات کلی مربوط به رعایت حقوق همه افراد بدون تبعیض از لحاظ نژاد، زبان و مذهب و مواد ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۱۹، ۱۸ در ماده ۲۷ مشخصاً از اقلیتهای

نژادی، مذهبی، و زبانی نام برده و حق برخورداری آنان را از فرهنگ و دین خاص خود به رسمیت شناخته است. نقل دو ماده ۲۶ و ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که اولی ناظر به حکم کلی رفع تبعیض دومی وجه دیگر حقوق اقلیتها را بیان می‌نماید، خالی از فایده نیست. ماده ۲۶: کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچگونه تبعیض، استحقاق حمایت بالسویه قانون باید هرگونه تبعیض را منع و برای کلیه اشخاص حمایت موثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشاء اصلی یا اجتماعی، مکتب، نسبت یا هر وضعیت دیگر تضمین نماید. ماده ۲۷: در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبان، وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعا با سایر افراد گروه خاص خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند، یا به زبان خود تکلم نمایند. اعلامیه مربوط به حقوق افراد وابسته به اقلیتها مصوب سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل به نحو مشخصتر و روشن‌تری توجه به حفظ هویت اقلیت‌ها را بیان کرده که البته هنوز در سطح اعلامیه است و عنوان معاهده به خود نگرفته است. ماده ۱ این اعلامیه می‌گوید: دولت‌ها باید از موجودیت و هویت اقلیت‌های ملی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و زبانی واقع در قلمرو خود حمایت نموده و شرایط و وضعیت مربوط به ارتقاء و رشد هویت آنها را تشویق نمایند. همچنین یک نهاد خاص حقوق بشری در سازمان ملل نیز به نام کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیتها و عدم اعمال تبعیض و حمایت از اقلیتها از سال ۱۹۴۷ تأسیس شد و با تشکیل اجلاس سالانه در ژنو و داشتن برای گروه‌های کاری در زمینه حمایت از اقلیتها تلاش می‌کند. (اخوان، ۱۳۹۵: ۵۶)

اقلیت‌ها به عنوان مسئله‌ای در حقوق بین‌الملل در طول تاریخ همواره به اشکال گوناگون خود نمایی نموده و نقض سازمان یافته حقوق آنها مسئله‌ای واقعی بوده است. کشتار اقلیت‌های مسیحی توسط حاکمان یهودی و غیر یهودی اروپایی در صدر تاریخ مسیحیت، قتل عام یهودیان به وسیله مسیحیان رومی و اجبار زندگی گتویی برای یهودیان، تا موارد معاصر مانند اکراد عراقی در حکومت صدام، ترکیه، مسلمانان کشمیر، سیک‌های هندی، تامیل‌ها در سری لانکا، تبتی‌ها در چین، کاتولیک‌ها در ایرلند شمالی، اقوام غیر عرب در جنوب پوسدان، اهالی تیمور شرقی و وقایع یوگسلاوی سابق نشان دهنده ماهیت بسیار گسترده این معارضه تاریخی است. از نخستین جلوه‌های ظهور مسئله اقلیت‌ها در دوران معاصر و تکوین حقوق بشر را می‌توان در دست آوردهای جامعه ملل مشاهده نمود. هر چند در سند تشکیل جامعه ملل مستقیماً اشاره‌ای به این مسئله نشده بود اما پاره‌ای از معاهدات دو یا چند جانبه منعقد شده پس از تشکیل جامعه ملل، این نهاد بین‌المللی را مرجع اقدامات به نفع اقلیت‌ها قرار داده است. (مایل افشار، ۱۳۹۱: ۶)

۳- سیر تحولات تاریخی و حقوقی در ایران

تنها سرخ موجود در این زمینه آن است که کوروش کبیر به هنگام ورود فاتحانه به شهر بابل در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، طی فرمانی تمامی مللی را که اقلیت بوده‌اند و در اسارت بابلی‌ها به سر می‌بردند را آزاد نمود. در

سال ۱۹۵۵ میلادی، در اروپا پیمانی به امضا می‌رسد که به پیمان صلح اوگسبورگ معروف است و این پیمان حمایت از اقلیت‌های مذهبی را مطرح می‌کند که در آن برهه از تاریخ از ارزش خاصی برخوردار است اما شروع بحث حمایت از اقلیت‌ها از قرن ۱۷ میلادی است و سه معاهده معروف وستفالی ۱۳۴۸، اولیوا ۱۶۶۰ و نیجمگان ۱۳۷۸ را بسیاری از حقوقدانان شروع حمایت رسمی از این افراد می‌دانند. ۵ دوره تاریخی برای حمایت از اقلیت‌ها وجود دارد: دوره اول از اواسط قرن ۱۷ شروع و تا ۱۸۱۲ (کنگره وین) ادامه یافت. دوره دوم از ۱۸۱۲ شروع و تا پایان جنگ اول ادامه یافت. دوره سوم در جنگ اول شروع و تا پایان ۱۹۴۵ ادامه داشت. دوره چهارم از ۱۹۴۵ شروع و تا شکستن دیوار برلین ادامه داشت. دوره پنجم از شکستن دیوار برلین تا به امروز است. در قرن ۱۶ و ۱۷، اقلیتی به نام اقلیت زبانی برای بشریت ناشناخته بود و حمایتی از آن دیده نمی‌شد. در جهان امروز نیز مباحث مربوط به اقلیت ملی بیشترین توجه را به خود معطوف داشته است چراکه امروزه این نوع اقلیت‌ها در معرض خطر بیشتری قرار دارند در حالی که پیش از قرن ۱۹ به بحث اقلیت‌ها به عنوان یک بحث سیاسی صرف که در صلاحیت انحصاری دولت‌هاست توجه می‌شد و به عنوان یکی از مباحث حقوق بین الملل نبود اما به هر حال اولین سیستم حمایت از اقلیت‌ها، در قالب میثاق جامعه ملل پیش بینی می‌شود. (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۳۱)

در ممالک اسلامی، اقلیت‌های مذهبی با توجه به مقررات فقه اسلامی از استقلال کامل در حوزه احوال شخصیه برخوردار بودند و غیر مسلمانان می‌توانستند در اموری همچون ازدواج، طلاق، ارث، وصیت و غیره تابع مقررات مذهبی خود باشند. حتی رعایت برخی مقررات کیفری اسلامی از جمله شرب خمر، در مورد غیر مسلمانان الزامی نبود. (شریفی طراز کوهی و قره باغی، ۱۳۸۹: ۳۵)

بررسی وضعیت اقلیت‌ها در حقوق ایران را نیز نمی‌توان از مبحث حقوق آنان در اسلام تفکیک نمود. از آنجایی که اقلیت‌های مذهبی در اسلام مورد توجه بوده‌اند و توجه به قومیت و نژاد نشده است، اسلام به ارزش‌های قومی و میهن دوستی توجه کرده است و حقوقی برای این افراد در نظر گرفته است. پاره ای از حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی ساکن در ایران در دوره‌های مختلف را در ذیل این عنوان مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۳- حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در عصر صفویه و رفتار دولت با آنان

در دوران صفویان، روابط سیاسی بر زندگی اقلیت‌ها اثرگذار بود. هرچه روابط صفویان با اروپاییان شدت می‌گرفت، فشار بر اقلیت دینی یهودی افزوده می‌شد. این روند در عصر شاه عباس یکم به اوج خود رسید و پس از عباس یکم، این عامل تحت‌الشعاع عوامل دیگر قرار گرفت و تمام اقلیت‌های دینی تحت ستم و آزار واقع شدند. هرچند که مسیحیان به مراتب از زرتشتیان و یهودیان وضعیت بهتری داشتند. روابط خوب جامعه یهودیان عثمانی با دولت آن کشور، فشار شاهان صفوی برای یهودیان ایران را به دنبال داشت و یهودیان عثمانی هم در مقابل به تحریک سلاطین آن کشور علیه صفویان و ناامن کردن مرزهای غربی ایران می‌پرداختند. نفوذ روحانیت شیعه در دربار صفوی منجر به نوعی تعصب دینی شد که شیوه حکمرانی شاهان صفوی را تحت‌الشعاع

قرار می‌داد. در این میان، اوضاع دربار بستگی به اقتدار و کفایت شاه صفوی داشت برای مثال در زمان حکمرانی عباس یکم، از قدرت تاثیرگذاری طبقه روحانی کاسته شد و خواجه سرایان هم نقش چندانی در امور اجرایی نداشتند ولی شاهان ضعیف صفوی چون سلطان حسین، با فقهای که دچار تعصب مذهبی بودند مانند ملا محمد باقر مجلسی روبرو شدند و فتاوی او توسط شاه تأیید و اجرا می‌شد. فشارهایی که در عصر شاه سلطان حسین، یهودیان را در معرض انقراض قرار داد و زرتشتیان را مجبور کرد تا آتش مقدس خود را مخفیانه از اصفهان به کرمان منتقل کنند و در شورش افغان‌ها علیه حکومت مرکزی شرکت کنند که مسلماً ریشه‌اش در فتاوی علمایی بود که خالی از تعصب مذهبی نبودند. در عصر صفوی فشارهای زیادی بر اقلیت زرتشتی و یهودی وارد شد و دانشمندان یهودی و زرتشتی، کمتر فرصت پیشرفت و شکوفایی پیدا کردند. هر چند در عصر صفوی و در قلمرو آنها برخی از شعرا و دانشمندان را در میان یهودیان و زرتشتیان مشاهده می‌کنیم ولی در عصر صفوی دانشمندان یهودی در عراق و دانشمندان زرتشتی در هند اقامت افکندند و افراد ساکن ایران هم بسیاری اوقات مجبور به مهاجرت به قلمرو عثمانی یا هند می‌شدند که علت این مهاجرت‌ها اهدای آزادی مذهبی در هر دو کشور عثمانی و هند به اقلیت‌های مذهبی بود. (جعفرپور و ترکی دستگردی، ۱۳۸۷: ۷۸)

همان‌طور که ذکر شد، در دوره شاه عباس یکم نشانی از آزادی‌های مذهبی و اجتماعی یهودیان باقی نمانده بود، گرچه این آزادی در تجارت یهودیان وارد نشده بود و بازرگانان یهودی به فعالیت‌های خود در شهرها و بنادر و مراکز تجاری ادامه می‌دادند. خود یهودیان نیز دلیل تنزل موقعیت این قوم را از نفوذ سیاستمداران و سفیران مسیحی مذهب اروپایی در دربار صفوی می‌دانستند که با توجه به دشمنی اروپاییان مسیحی با یهودیان، گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی آنها به تدریج بر زندگی یهودیان ایران تاثیر منفی می‌گذاشت که در این میان عده‌ای از یهودیان و مسیحیان، نه به خاطر علاقه مندی به اسلام، بلکه برای انتقام جویی از هم‌کیشان خود که رابطه خوبی با آنها نداشتند به اسلام گرویدند و با استناد به قانون به ضبط اموال بستگان و دوستان خود پرداختند. در خصوص زرتشتیان اطلاعات زیادی موجود نیست ولی زرتشتیان عصر صفوی غالباً سطح زندگی پایینی داشته و از فقر و ناداری رنج می‌بردند. اکثراً به کشاورزی مشغول بوده و از این راه درآمد کسب می‌کردند و از آنجا که سیاست مذهبی خاصی از سوی دولت صفوی دنبال می‌شد که ترویج مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور در راس آن بود، فشار بر اقلیت‌های دینی و مذهبی افزوده می‌شد. از زرتشتیان ساکن کرمان مقداری جزیه مطالبه می‌شد که با تعداد زرتشتیان ساکن آنجا همخوانی نداشت. کتب مذهبی آنها در زمان شاه عباس یکم مورد تعرض قرار گرفت و تعقیب آزار زرتشتیان در عصر شاه سلطان حسین، چند برابر شد. آتشکده ایشان در همین زمان ویران و مسجدی به جای آن بنا شد. در کتاب شیخ بهایی که جنبه قانون اساسی آن روز ایران را داشت، ۹ مرتبه به یهودیان و ۴ مرتبه به زرتشتیان اشاره کرده و مقررات خاصی وضع نموده است. به عنوان مثال به ظن قوی آن‌ها را نجس می‌شمرد، قصابی کردن یهودیان و مسیحیان را ممنوع و جزو تجارت‌های نامشروع می‌خواند ولی نکاح با زنان آنان را به ظن قوی مجاز می‌دانست. معامله با یهودی، مسیحی و زرتشتی را مکروه و ناپسند می‌شمرد که با توجه به قدرت نفوذ خود در دربار صفوی و با

نگاهی به فتاوی او از جمله کراهت معامله با یهودی، مسیحی و زرتشتی می‌توان پی برد که چگونه با این فتوا به تجارت و اقتصاد اقلیت‌های دینی در ایران ضربه وارد شد.

۲-۳- حقوق اقلیت‌های دینی در عصر قاجار

نوع پوشش زنان اقلیت این دوره با توجه به اعتقادات مذهبی و دینی آنان متفاوت بوده است. زنان ارمنی عمدتاً پیراهن‌های قرمز و زرد ملبله دوزی شده و چادرهای سفیدی به سر داشتند و زنان زرتشتی دستمال‌های رنگی به سر داشتند و از چادر استفاده می‌کردند. (علم و دنیاری، ۱۳۹۸: ۷۹) در عصر قاجار دو نوع محکمه با رویه و منابع متفاوت فعال بود: محاکم عرفی و محاکم شرعی. اقلیت‌های دینی از یهودیان و مسیحیان و زردشتیان برای دعاوی خود با صاحب‌منصبان حکومتی به محاکم عرفی، در دعاوی کیفری با مسلمانان به محاکم شرعی مسلمانان و در دعاوی با هم کیشانشان به محاکم ویژه شریعت خود به قضاوت روحانیان آن دین مراجعه می‌کردند. سه نقیصه مهم این محاکم عبارت بودند از: نداشتن قانون مدون، نبودن وحدت رویه در آرای قضایی و فقدان استقلال قاضی. قضاوت روحانیان اقلیت‌های دینی عمدتاً مستند به آداب و سنن شفاهی بود که از پیشینیان به آنها رسیده بود جز روحانیان یهودی که از مجموعه‌های مکتوب به نام «هالاخا» برخوردار بودند. آرای محاکم عرفی و شرعی مسلمانان نیز به منابع گوناگون به ویژه دیدگاه‌های مشهور فقهای امامی مستند بودند.

۳-۳- حقوق اقلیت‌های دینی در دوره نهضت مشروطه

با آغاز نهضت مشروطه و فراگیر شدن ناراضیاتی عمومی از اوضاع اجتماعی و سیاسی برخی از پیروان اقلیت‌های دینی ایران نیز به این نهضت پیوستند. به ویژه زرتشتیان به لحاظ حمایت‌های مالی و مسیحیان ارمنی به لحاظ نظامی نقش بیشتری داشتند. شرایط ویژه آن دوره تاریخی، همدلی و وحدت حاصل از انقلاب مشروطه و طرح خواسته‌هایی چون برابری حقوق و محدود شدن قدرت شاه، زمینه تدوین نخستین قانون اساسی مدون ایران را با توجه به حقوق همه مردم ایران از جمله اقلیت‌ها فراهم کرد. در انتخابات مجلس اول، انتخابات بیشتر ماهیت صنفی داشت و در نظام نامه آن، وضع نمایندگان اقلیت‌ها مشخص نبوده ولی عملاً زرتشتیان، ارباب جمشید جمشیدیان را برگزیدند و سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی نمایندگی یهودیان و مسیحیان را در مجلس شورای ملی پذیرفتند. در ماده دوازدهم قانون اصلاحی انتخابات ۱۲۹۰ مقرر شد که یهودیان، زرتشتیان، مسیحیان ارمنی شمال و جنوب و مسیحیان آشوری هر یک، یک نماینده در مجلس داشته باشند. این ماده قانونی به نفع اقلیت بود که در همه دوره‌های مجلس، چه پیش از انقلاب اسلامی چه پس از آن ثابت ماند و اجرا شد. موافقان این رویه، آن را برای دفاع از حقوق قانونی اقلیت‌های دینی در نظام قانونگذاری ایران امتیازی بزرگ می‌دانند. در اصل یک متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۸۶، مذهب رسمی کشور، شیعه اثناعشری اعلام شد ولی تا زمان انقلاب اسلامی، هیچ مصوبه قانونی به تعیین و شمارش ادیان و مذاهب غیر شیعه نپرداخت. در اصول متمم قانون اساسی، در بخش حقوق ملت، تعبیری چون «اهالی مملکت ایران»، «هیچ یک از ایرانیان»

و «افراد مردم» به کار رفته که بر مبنای شهروند دلالیت دارد و شامل همه ایرانیان از جمله اقلیت‌های دینی می‌شود. از این رو برای نخستین بار یک قانون نوشته، حقوقی معادل مسلمانان برای اقلیت‌های دینی مقرر نمود، بدون آنکه برخوردار شدن از این حقوق را به شرایطی مانند پرداخت جزیه منوط کند و بر پایه اصل ۹۷ این قانون در مورد وظایف مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی میان افراد وجود ندارد. همچنین در اصل هشتم متمم قانون اساسی برای کلمه قانون، وصف دولتی ذکر شد که موجب شد تساوی همه افراد در برابر قانون به قانون دولتی انحصار یابد و تفاوت‌های حقوق میان مسلمانان و غیرمسلمانان در منابع اسلامی پابرجا باشد. با این تغییرات، قانون اساسی مشروطیت درباره حقوق اقلیت‌ها دچار مشکلات جدی و ساختاری شد. البته در عمل، اجرای قوانین پیشنهادی به ویژه اصل دوم متمم ناکام ماند و از این رو عالمان دینی دوره پهلوی، قوانین و نیز احکام صادره از محاکم را فاقد مشروعیت می‌دانستند که در این دوره اوضاع سیاسی ایران بسیار ناپایدار شد. همچنین بر پایه پاره‌ای از گزارش‌های تاریخی، در سال ۱۲۹۹ گرفتن جزیه از زردشتیان با وساطت سفیران فرانسه، انگلیس و تلاش‌های امام جمعه وقت کرمان به دستور ناصرالدین شاه معلق شد و پس از مشروطه به تدریج دریافت جزیه از مسیحیان و یهودیان نیز لغو گردید به موجب بندهای هفتم و دهم ماده دوم قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۱۲، همه معابد و مراکز خیریه مسلمانان و غیرمسلمانان و نیز انجمن‌های اقلیت‌های رسمی از پرداخت مالیات معاف شدند. (سایت دانشنامه حوزوی ویکی فقه، تاریخ رؤیت ۲۰ فروردین ۱۴۰۰)

۳-۴- حقوق اقلیت‌های دینی در عصر پهلوی و وضعیت آموزش زبان آنان

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، محتوای مواد عام بود و میان مسلمان و غیرمسلمان تفاوتی مقرر نشده بود ولی ماده اول آن میان محاکم عدلیه و محاکمه شرعی تفکیک قائل شد که غرض از درج این موضوع را در این ماده جلوگیری از مخالفت عالمان دینی با قوانین جدید دانستند. به موجب مواد ۱ و سوم اصلاحی قانون مذکور در ۱۳۵۲، مواد قانونی آن شامل همه مجرمان می‌شد، چه مسلمان چه غیر مسلمان. در جرایمی مانند قتل که کیفر غیر مسلمان با مسلمان در شرع گاهی نابرابر است، مجازاتی یکسان مقرر گردید. رویکرد حکومت پهلوی، توجه به ملی‌گرایی ایرانی بود و آن را بر گرایش‌های قومی، زبانی و دینی ترجیح می‌داد از این رو غیر مسلمانان از سال ۱۳۰۵ توانستند در قالب خدمت سربازی یا استخدام به ارتش راه یابند. مواد قانون مدنی ایران که جلد نخست آن در ۱۳۰۷ و جلد دوم و سوم آن در سال‌های ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ به تصویب رسید جز در مواردی معدود مانند ماده ۱۰۵۹ درباره جایز نبودن ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان، عام است و برای غیر مسلمانان حکمی برابر با مسلمانان دارد. گفته شده است که حکومت وقت با تدوین این قانون می‌خواست بهانه نبودن قانون در ایران را از خارجیان و پناهندگان به سفارتخانه‌ها بگیرد و بتواند قانون مصونیت قضایی یا کاپیتولاسیون را که از عهدنامه ترکمنچای باقی مانده بود، لغو کند و از این رو مواد آن به گونه عام تنظیم گردید. به موجب ماده واحده الحاقی قانون اجازه رعایت احوال شخصی مصوبه ۱۳۱۲، ایرانیان غیر شیعه اجازه

یافتند در احوال شخصیه بر طبق مقررات آیین خود رفتار کنند. دادگاه ها نیز به استناد آرای مشهور فقهای اهل سنت و نیز انجمن‌های زرتشتی و کلیمی و کلیساها به دعاوی این اشخاص رسیدگی می‌کنند.

اقلیت‌های دینی رسمی ایران یعنی مسیحیان، زرتشتیان و کلیمیان در دوره رضاشاه در فضای گفتمان حاکم ملی‌گرایانه دولت نه تنها قادر نبودند به آموزش زبان خود در مدارس بپردازند بلکه مدارس شان به تعطیلی نیز کشانده شد. نخستین مدرسی که در میان ارامنه شروع به فعالیت کردند، مدارس مسیونرهای آمریکایی در دوره قاجار بود که در مناطق ارمنی نشین، مدرسی را برای کودکان ارمنی دایر کردند. پس از آن در سال ۱۲۴۸ تا ۱۲۴۹ سه جوان ارمنی در تهران انجمنی به نام انجمن دوستداران علم و دانش تشکیل دادند که این انجمن در جامعه همان سال مدرسه «هایگازبان» را افتتاح کرد. پس از انقلاب مشروطه، ارمنیان بر اساس مجوزها و فرمان‌های خاص ضمانت اجرایی برخوردار از مدارس ملی را دریافت کردند. زبان آموزشی در مدارس این اقلیت، ارمنی بود که کم‌کم زیر نظر دولت قرار گرفت. در سال ۱۳۰۶ دولت فشار آورد تا مدرسی که زبان ارمنی دارند، زبان اصلی‌شان باید فارسی باشد و مدرسی که این مقررات را رعایت نمی‌کردند تهدید به تعطیل شدند و کودکان ارمنی در منازل به یادگیری زبان ارمنی، ادبیات، تاریخ و دینی می‌پرداختند که تا اواخر جنگ جهانی دوم به همین صورت بود. خلیفه کل ارامنه آذربایجان تلاش‌های بسیاری برای حل این مشکل انجام داد و در سال ۱۳۲۰ نامه‌ای خطاب به علی سهیلی، نخست وزیر وقت نوشت و اجازه تدریس تنها چند ساعت زبان ارمنی بدون پرداخت دستمزد آموزگار را خواستار شد که اجازه تدریس روزانه ۲ ساعت زبان ارمنی همراه با پرداخت حقوق معلم استخدام شده تصویب شد. بعد از آن ارامنه تا پایان حکومت پهلوی توانستند تنها ۶ ساعت درس را به زبان ارمنی تدریس کنند. به همین دلیل آنان دوره پهلوی اول را اوج ظلم به ارامنه و دوره پهلوی دوم را دوره بازگشت آرامش نسبی می‌دانند. (اکبری و حرآبادی فراهانی، ۱۳۹۵: ۶)

آشوریان تا دوره پهلوی دوم در تهران مدرسه اختصاصی نداشتند و اغلب آنها در ارومیه در مدارس فرانسوی درس می‌خواندند. این امر از آنجا ناشی می‌شد که مردم آشوری ارومیه از امکانات بیشتری برخوردار بودند. مباحثان پروتستان در روستاهای اطراف ارومیه مدرسی را برای تعلیم زبان مادری آشوریان تاسیس کرده بودند. پس از حاکم شدن سیاست ملی رضاشاه تدریس این زبان نیز دچار وقفه شد. در دوره پهلوی دوم آشوریان نتوانستند مجدداً به تدریس زبان خود بپردازند زیرا دیگر سیاست ملی‌گرایی زمان رضاشاه دنبال نمی‌شد و تمام اقلیت‌ها ساعتی حق تدریس زبان خود را به دست آوردند بدین ترتیب آشوریان ۷ کتاب دستور زبان آشوری تألیف و آن‌ها را در مدارس به کودکان خود تدریس می‌کردند. در تهران پس از سال ۱۳۳۴ دو مدرسه برای آشوریان تاسیس شد که در این دو مدرسه به تدریس زبان آشوری پرداخت شد و چندین سال بعد کلیساها و مراکز دینی آشوری در تهران نیز اقدام به ساخت مدارس آشوری کردند. (همان، ۱۱)

زرتشتیان نیز تا پیش از ورود فردی به نام مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا از جانب پارسیان هندوستان به دلیل مشکلات مالی اقدام چندانی در زمینه تاسیس مدرسه جدید انجام نداده بودند. مانکجی در تهران مکتبی دایر و جمعی از فرزندان زرتشتیان یزد و کرمان را به آنجا بردند و به آموزش آنها مبادرت ورزید و پس از انقلاب

مشروطه، شورای عالی معارف مجوز تاسیس مدرسه برای زرتشتیان را صادر کرد. دوره حکومت پهلوی اول که سیاست‌های ملی‌گرایانه بازتاب وسیعی در جامعه داشت، در میان اقلیت‌های دینی تنها زرتشتیان بودند که توانستند بخشی از شرایط خویش را بهبود بخشند و اغلب آنان در کنار زبان فارسی به زبان فارسی دری صحبت می‌کردند. در زمان رضاشاه در مدارس زرتشتی کودکان به این زبان صحبت می‌کردند و تنها کتاب‌های فارسی شان به زبان فارسی بود. در زمان حکومت محمدرضا شاه زرتشتیان دیگر شکوه زمان رضا شاه را احساس نمی‌کردند زیرا سیاست‌های ملی‌گرایانه مانند گذشته اهمیت نداشت. همچنین در مدارس زرتشتی در کنار زبان فارسی، زبان انگلیسی هم به عنوان زبان دوم تدریس می‌شد. (پیشدادی، ۱۳۷۷: ۱۸۹) در خصوص اقلیت‌های کلیه‌ی نیز باید خاطر نشان کرد که پس از تاسیس مدارس آلیانس در ایران توسط فرانسوی‌ها، فرانسه زبان اول مدارس کریمی‌به‌شمار می‌رفت. در اواسط قرن نوزدهم، آدولف کریمو و تعدادی از روشنفکران یهودی برای کمک و همراهی با هم کیشان خود انجمن آلیانس جهانی را برپا کردند که هدف این انجمن حمایت از یهودیان تمام جهان و جلوگیری از آزار آنان بود. این مدارس تا پایان حکومت قاجار به صورت خودمختار عمل می‌کردند اما از سال ۱۳۰۳ به بعد برنامه واحدی برای تمام نهادهای آموزشی در نظر گرفته شد و در کنار زبان فرانسه از زبان عبری برای تعلیم و امور دینی استفاده شد و تا دوره رضا شاه این روش را دنبال می‌کردند. همچنین در زمان رضاشاه به دنبال اهمیت زبان فارسی، مدارس آلیانس نیز مجبور به تبعیت از وزارت معارف در جایگزین کردن زبان فارسی به عنوان زبان اصلی شدند. وزارت معارف از بودجه این سازمان یک دبستان ۶ کلاسه در ارومیه مطابق پروگرام رسمی برای آرامنه، آشوری‌ها و کلیمیان تاسیس نمود و تدریس زبان فارسی را در آنجا امری ضروری اعلام کرد اما بعدها در دوره پهلوی دوم که دیگر زبان فارسی زبان اول کشور نبود مدارس کلیمی‌توانستند مجدد آزادانه به تدریس زبان فرانسه و عبری بپردازند. (اکبری و حرآبادی فراهانی، پیشین، ۱۵) سیاست‌های دولت مدرن پهلوی یکسان‌سازی فرهنگی برای تحقق پروسه ملت‌سازی در ایران بود. اجرای آیین‌های مذهبی و محلی با محدودیت مواجه بود و اقوام و خرده فرهنگ‌های آن‌ها مورد تحقیر واقع می‌شدند که این رویه در سیاست‌های فرهنگی پهلوی دوم نیز همچنان پیگیری می‌شد.

۵-۳- حقوق اقلیت‌های دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقلیت‌های مذهبی به مذاهب چهارگانه اهل سنت و شیعیان زیدی اقلیت‌های دینی شناخته شده به زرتشتی، کریمی و مسیحی (ارمنی و آشوری) محدود شدند. این اقلیت‌ها در محدوده قانون محترم اند، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه به عمل کردن بر طبق آیین خود مجاز. بر طبق اصل ۶۴ قانون اساسی و اصلاحیه آن هر یک از اقلیت‌های دینی رسمی می‌توانند نماینده در مجلس شورا داشته باشند. تنها تفاوت مقررات فعلی انتخابات اقلیت‌های دینی با قانون مصوب ۱۳۹۰ آن است که برای مشخص شدن اقلیت‌ها در انتخابات، اصلاحیه ماده ۲۰ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۶۳، ثبت نوع دین اقلیت‌ها را در اسناد سجلی آنان لازم شمرده است. در برخی اصول قانون اساسی تعبیر عامی‌آمده است که شامل اقلیت‌های دینی هم می‌شود از جمله لزوم فراهم

شدن زمینه مشارکت عمومی مردم در تعیین سرنوشت خود و تامین امنیت قضایی برای همه مردم، حمایت قانون از همه مردم و برابری حقوق مردم، حق انتخاب شغل مناسب، حق دادخواهی، حق انتخاب وکیل و اصل برائت همه اشخاص از ارتکاب جرایم. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قانون اساسی جمهوری اسلامی نسبت به قانون اساسی مشروطه، آزادی‌ها و حقوق بیشتری برای اقلیت‌های دینی و مذهبی تعیین کرده است. با این حال در خصوص برخی اصول این قانون ابهام‌هایی وجود دارد. مثلاً در اصل نوزدهم در شمارش اموری که موجب امتیاز نمی‌شود پس از یک رنگ و نژاد و زبان، عبارت «و مانند اینها» آمده است و معلوم نیست که آیا دین و مذهب از مصادیق این تعبیر هست یا نه. بعلاوه در اصول ۴، ۱۲، ۹۱، ۱۱۵، التزام به دین رسمی، ضروری یا موجب امتیازی خاص به شمار رفته است. همچنین حاکمیت موازین اسلامی بر همه مقررات کشور، که در عصر چهارم بر آن تاکید شده، مقتضی آن است که برخی آراء مشهور فقهی درباره غیرمسلمانان بتواند وجهه قانونی یابد و چالش‌هایی برانگیزد. همچنین در اصول ۱۳ و ۲۰، آزادی اقلیت‌ها با قیودی همچون در حدود قانون یا رعایت موازین اسلامی مطرح شده که مراد از این قیود مبهم است. (مهرپور، ۱۳۸۳: ۳۹۵)

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، بخش مجازات‌های بازدارنده به گونه‌ای آن تنظیم شده بود که میان مسلمان و غیرمسلمان هیچ تفاوتی نگذاشته بود ولی در قلمرو قوانین حدود و دیات و قصاص به سبب پیروی قانونگذار از آرای مشهور فقهی، گاهی میان احکام مسلمانان و غیرمسلمانان تفاوتی دیده می‌شد. ماده ۲۰۷، حق قصاص را تنها برای اولیای دم مقتول مسلمان قائل شده و در حق غیرمسلمان، حکم به پرداخت دیه کرده است در حالی که پیشتر در سال ۱۳۷۰، ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی فقط دیه مقتول مسلمان را مشخص کرده بود و درباره دیه غیرمسلمان ساکت بود. در سال ۱۳۷۰ در تبصره دوم این ماده، تعیین میزان دیه اقلیت‌های دینی رسمی به نظر ولی امر موکول شد. با توجه به ابهام موجود و مشکلات اجرایی آن، مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۶ دی ۱۳۸۲ دیگر اقلیت‌های دینی شناخته شده را با دیگر مسلمانان برابر دانست و در عین حال بخشنامه ۸ خرداد ۱۳۸۷ قوه قضاییه، دیه مسلمان با غیرمسلمان را به طور مطلق صرفاً در تصادفات رانندگی طبق قوانین شرکت‌های بیمه برابر اعلام کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مهمترین تغییرات قوانین مدنی مربوط به اقلیت‌های دینی دو مورد است: مانع بودن کافر از ارث بردن و شرط ایمان برای گواهی دادن در دادگاه که پیشتر از اجرای این حکم و ایران سوء استفاده‌هایی شده بود. مثلاً برخی سودجویان در میان غیرمسلمانان به گونه‌ی صوری یا واقعی، مسلمان می‌شدند تا یگانه وارث خویشان و نزدیکان خود باشند هر چند محمد شاه قاجار و سپس امیرکبیر و بعدها ناصرالدین شاه با فرمان حکومتی، مانع بودن کافر را از قانون ارث برداشتند ولی در عمل توفیق چندان حاصل نشد. در ۱۳۶۱، ماده الحاقی ۸۸۱ قانون مدنی، آزمایشی به اجرا در آمد که بر طبق آن، کافر از مسلمان ارث نمی‌برد و اگر در میان وارثان متوفی کافر، مسلمانی وجود داشت، وارثان کافر ارث نمی‌بردند. این ماده در سال ۱۳۷۰ تصویب قطعی شد ولی در ۱۳۷۲ به حکم مجمع تشخیص مصلحت نظام به حالت تعلیق در آمد و دادگاه‌ها ملزم شدند قواعد و عادات مسلم اقلیت‌های دینی رسمی را رعایت کنند. از این رو تقسیم اموال متوفی غیرمسلمان، بر اساس قواعد مسلم، در هنگام مرگ او صورت می‌گیرد نه به موجب ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی. علاوه بر این ماده ۱۳۱۳ مکرر قانون مدنی اضافه شد و به موجب آن وجود عدالت

و ایمان برای اثبات و پذیرش شهادت گواهان لازم شمرده شد. با تنظیم برخی قوانین، زمینه فعالیت‌های آزاد دینی اقلیت‌ها در ایران فراهم شد. بر پایه اصل ۶۷ قانون اساسی، نمایندگان اقلیت‌های دینی در هنگام ادای سوگند در مجلس می‌توانند به کتاب مقدس خود قسم بخورند. مواد ۳۷ و ۳۸ قانون فعالیت احزاب و انجمن‌ها مصوب ۱۳۶۱، فعالیت‌های دینی (مانند برگزاری مراسم مذهبی) و نیز فعالیت‌های اجتماعی (مانند تاسیس باشگاه‌های ورزشی، مراکز درمانی و خانه‌های سالمندان) و فرهنگی (مانند تاسیس مدارس و آموزش زبان خاص) را برای اقلیت‌ها جایز شمرده و یارانه نقدی برای انجمن‌های اقلیت‌های دینی نیز پیش‌بینی شده است. مفاد قانون معافیت مالیاتی معابد و انجمن‌های دینی مصوب ۱۳۱۲ در سال ۱۳۶۶ تمدید و ابقا شد. اقلیت‌های دینی علاوه بر استفاده از تعطیلات رسمی کشور، می‌توانند مطابق بخشنامه ۱۳۶۶ سازمان امور اداری و استخدامی کشور، از مرخصی‌های ویژه در روزهای عید و جشن خاص خود مانند روز کبپور، روز تولد زردشت و روز تولد حضرت مسیح و عید پاک استفاده کنند. در این بخشنامه این تعطیلات خاص برای زرتشتیان ۵ روز، یهودیان ۶ روز، مسیحیان آشوری ۸ روز، مسیحیان ارمنی کاتولیک ۷ روز و مسیحیان ارمنی گریگوری ۶ روز پیش‌بینی شده است. (سایت دانشنامه حوزوی ویکی فقه، تاریخ رؤیت ۲۱ فروردین ۱۴۰۰)

۴- حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در قانون اساسی و قوانین موضوعه عصر حاضر

بررسی وضعیت اقلیت‌ها در ایران را نمی‌توان از موضوع حقوق آنان در اسلام جدا نمود. از آنجایی که اقلیت‌های مذهبی در اسلام و سیره بزرگان دین مورد توجه بوده‌اند، در این باره قوانین زیادی وضع شده است. همچنین، در اسلام توجهی به نژاد و قومیت نشده است که به معنای عدم احتساب آنها به عنوان عمل مثبت و منفی می‌باشد. در عصر حاضر با توجه به اینکه تدوین کنندگان قوانین مدنی معاصر ایران، اغلب دیدگاه شهروندی برگرفته از حقوق فرانسه را داشتند، در قانون اساسی و قانون مدنی عصر مشروطه ذکری از اقلیت‌ها وجود ندارد و اصل تابعیت کشورها بیشتر مورد توجه آنان بوده است. بدین جهت، در وضعیت فعلی ایران و با توجه به قانون اساسی کنونی کشورمان سه بحث مربوط به اقلیت‌ها را می‌توان از هم تفکیک نمود: اقلیت دینی^۳، اقلیت مذهبی^۴، اقلیت قومی^۵، صفت اقلیت قومی با صفت اقلیت مذهبی و دینی قابل جمع است و در واقع نیز چنین جمعیتی وجود دارد. از آنجایی که انقلاب سال ۱۳۵۷، اسلامی بود و منجر به تشکیل حکومت اسلامی شد می‌توان گفت که آشکارترین اختلاف ایدئولوژی آن با اقلیت‌های دینی بود و لذا بیشتر از اقسام دیگر اقلیت در ایران، در قانون اساسی از آنها سخن به میان آمده است که مهمترین آنها: ۱- برابری حقوق با دیگر آحاد جامعه ۲- آزادی در پایبندی به آزادی وجدان و عمل به شعائر آن ۳- حقوق اجتماعی و سیاسی می‌باشد. همچنین،

^۳ زردشتی، یهودی، مسیحی

^۴ تسن حنفی، مالکی، حنبلی، مذهب زیدی

^۵ اسامی آنها ذکر نشده است، اما در اصول خاصی به آنها اشاره شده مانند اصول ۱۵ و ۱۹

منظور از اقلیت‌های مذهبی، اقلیت‌هایی هستند که به یکی از مذاهب اسلامی غیر از شیعه اثنی عشری معتقدند (طبق اصل دوازدهم: حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی). اصل نوزدهم و بیستم قانون اساسی، بر تساوی مردم ایران و حقوق آنان تأکید دارد و تمایزات رنگ، نژاد، زبان و امثال آن را عامل برتری نمی‌داند و در زمره مانند اینها بایستی تفاوت دینی و مذهبی را جای داد. قانون اساسی در اصل دوازدهم به حق آزادی عقیده و انجام شعایر مذهبی در اقلیت‌های مذهبی توجه کرده و متذکر می‌شود که پیروان مذاهب مذکور در انجام مراسم مذهبی، طبق قانون خود آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی،^۶ در دعای مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند. مضافاً اینکه، بارزترین مواردی که از قومیت یا گروه قومی در ایران، در قانون اساسی نام برده شده است، اصل پانزدهم و نوزدهم می‌باشند. اصل پانزدهم قانون اساسی بعد از اعلام و تعیین زبان رسمی و ذکر این بحث که اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی بایستی با خط و زبان فارسی باشد، آزادی‌های مختلفی را برای به کاربردن زبان‌های محلی و قومی متذکر می‌شود که عبارتند از: آزادی استفاده این زبان‌ها در مطبوعات و رسانه‌های گروهی، تدریس زبان و ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی. این حقوق که در نوع خود جلت توجه می‌نماید، امکان تداوم فرهنگی را برای گروه‌های قومی فراهم می‌آورند. اقلیت‌های قومی از دو حالت خارج نیستند یا از اکثریت شیعه اثنی عشری می‌باشند و یا از اقلیت‌های دینی و مذهبی، که در هر دو حالت حقوقشان مشترک می‌باشد. مهمترین نکته متمایز با آن دو به آن دسته از تمایزات فرهنگی است که حمایت و حراست از آن در قانون اساسی وجود دارد. گروه‌های اقلیت در قانون اساسی را می‌توان از دو جنبه نام برد. یکی محور عقاید،^۷ و دیگری محور قومیت.^۸ از تلاقی این دو محور پنج دسته اقلیت در ایران وجود دارند: اقلیت دینی (مسیحیان انجیلی)، اقلیت دینی-قومی (ارامنه)، اقلیت مذهبی (نظیر اهل سنت در برخی شهرهای استان خراسان)، اقلیت مذهبی-قومی (مانند ترکمنان)، اقلیت قومی صرف (مانند آذری‌ها). که حقوق هر یک به ترتیب در قانون اساسی آمده است. (قاسمی، ۱۳۸۲: ۸۶۹-۸۵۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی جامعه است و باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه دهنده طرح نوین نظام حکومتی باشد. همچنین، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیانگر مبانی اصیل اسلامی است و تمامی حقوقی را که تحت عنوان حقوق ملت برای آحاد جامعه به رسمیت می‌شناسد شامل همه اقلیت‌ها دانسته و حقوقی را مختص به اقلیت‌ها از جمله حق بر مشارکت و داشتن نماینده بیان نموده است. در بحث آزادی تعلیمات دینی چنین است که قانون اساسی بین تمام مسلمانان غیر شیعه‌ی جعفری برای مذاهب حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی حقوقی را قائل شده است. از جمله اصل دوازدهم قانون اساسی مقرر داشته است که: «مذاهب دیگر اسلامی دارای احترام کامل می‌باشند». طبق این

^۶ ازدواج، طلاق، ارث، وصیت

^۷ اکثریت شیعه اثنی عشری، اقلیت‌های مذهبی و اقلیت‌های دینی

^۸ خصوصیات متفاوت غیر دینی و فرهنگی

جمله، برای احتراز تفرقه هرگونه لعن یا بی احترامی نسبت به دیگر مذاهب اسلامی باید قانوناً ممنوع باشد و برای آن مجازات مقرر شود. همچنین برای تأمین حقوق مذهبی دیگر مسلمانان، پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی طبق فقه خود آزادند که در جامعه نیز این آزادی مورد احترام است و علاوه بر آن آزادی مذهبی اقتضا می‌کند که پیروان دیگر مذاهب اسلامی از امکانات تعلیم و تربیت دینی برخوردار باشند. (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۳-۶۲)

۴-۱- حقوق مدنی و سیاسی

اقلیت‌ها در ایران در قانون اساسی پیش‌بینی شده که اقلیت‌های دینی شناخته شده می‌توانند در مجلس شورای اسلامی نماینده داشته باشند و از بین هم‌کیشان خود نماینده‌ای انتخاب کنند و به مجلس بفرستند. مطابق اصل ۶۴ قانون اساسی، زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان، آشوری و کلدانی جمعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدودیت تعداد نمایندگان اقلیت‌های دینی متناسب با تعداد جمعیت آنان در کشور است. زیرا با در نظر گرفتن نسبت جمعیت کشور به مجموع نمایندگان، آنان نسبت جمعیت محدود خود به طور عادلانه نماینده دارند. (ابراهیمیان، ۱۳۹۱: ۲۵۴)

همچنین، مطابق اصل ۲۶ قانون اساسی اقلیت‌های دینی می‌توانند مطابق ضوابط دارای انجمن و جمعیت باشند. و در ماده ۴ قانون فعالیت احزاب، مصوب ۱۳۶۰ آمده که انجمن اقلیت‌های دینی اصل ۱۳ قانون اساسی، تشکیلاتی می‌باشد که از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی مختص آن اقلیت باشد. به شکل و سازمان‌های اقلیت‌های دینی توسط کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور مجوز داده می‌شود. و تعاملات و ارتباطات مسئولین عالی رتبه جمهوری اسلامی با اقلیت‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی از حجم بیشتری در مقایسه با دیگر جوامع و قومیت‌ها برخوردار می‌باشد که نشانگر توجه ویژه مسئولین نظام به اقلیت‌های دینی در جمهوری اسلامی می‌باشد که نمونه بارز آن، حضور ریاست جمهور وقت در سال ۱۳۸۳ در مراسم جشن ایالتوت^۹ یهودیان، در کنیسه‌ی یوسف آباد تهران بود که در تاریخ زندگی یهودیان در ایران ۲۷۰۰ سال سابقه داشته است. (پروین و سپهری‌فر، ۱۳۹۳: ۸۰)

ضمانت‌های حقوقی و سیاست‌های کلی در خصوص مبارزه علیه تبعیض بر اساس دین و عقیده این چنین است که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اقلیت‌های دینی می‌توانند آزادانه به انجام مراسم مذهبی، پیروی از قوانین مذهب و احوال شخصیه خویش بپردازند. مطابق اصل دوازدهم قانون اساسی: دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و مذاهب دیگر اسلامی، اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب، اکثریت داشته باشند مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد

^۹ جشن درختان

بود، با حفظ رعایت حقوق پیروان دیگر مذاهب. مضافاً اینکه، مطابق اصل سیزدهم قانون اساسی: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی، مسیحی، تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند».

علاوه بر آن، اصل اول نوزدهم بیان می‌کند: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان، مانند اینها سبب برتری و امتیاز نخواهد بود». در اصل بیستم قانون اساسی آمده است: «همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از تمام حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». علاوه بر قوانین اساسی در قوانین عادی نیز امور مذکور، مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله در ماده واحدهایی مثل «قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه، مصوب ۱۳۱۲» نسبت به احوال شخصیه، حقوق ارضیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده آمده است: «محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد، رعایت نمایند». مضافاً طبق ماده ۱۴۳ آئین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مصوب ۱۳۸۰، هنگام پذیرش زندانی، دین رسمی او در برگه پرسشنامه، درج و به منظور تقویت و تحکیم مبانی دینی زندانیان و اجرای آداب و مراسم دینی آنان با جلب کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق مسئولین زندان، وسیله و تسهیلات لازم جهت انجام فرایض دینی آنها فراهم می‌گردد. (جاوید، ۱۳۹۲: ۱۵۳)

از دیگر حقوق اقلیت‌ها بایستی به انتخاب مدیران اقلیت برای مدارس و استخدام آنها بعنوان معلم، ایجاد تسهیلات جهت صدور گذرنامه و اجازه خروج از کشور، حق انجام فعالیت‌های فرهنگی، هنری، ورزشی، و تفریحی، امکان ادامه تحصیل در دانشگاه، مجوز چاپ کتاب و امکان فروش آن، امکان اشتغال در پست‌های دولتی، دریافت مجوزهای فرهنگی، هنری، تفریحی، مرمت و بازسازی اماکن مربوط، داشتن مدارس مختص اقلیت‌ها، داشتن قبرستان‌های اختصاصی. (حبیب‌زاده و هوشیار، ۱۳۹۳: ۸۴) حق داشتن معبد و حق استقلال داشتن در احوال شخصیه، حق تشکل، از دیگر موارد در حقوق سیاسی و مدنی می‌باشد.

۲-۴- حقوق اقتصادی و اجتماعی

گرچه قانون اساسی اشاره‌ای به حقوق اجتماعی اقلیت‌های دینی ندارد، بر اساس اصل تساوی عمومی در قبال قانون و برخورداری همه افراد ملت از حقوق مساوی در تمام زمینه‌ها، از جمله احراز مشاغل عمومی، اقلیت‌های دینی نیز از این حقوق بهره‌مند خواهند بود. به همین جهت، در قوانین عادی استخدامی و اداری بیشتر وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، برای ورود اقلیت‌های دینی منعی نیست. در قوانین عادی ایران، اقلیت‌های دینی از حقوق اجتماعی بهره‌مند هستند که در ذیل به آن می‌پردازیم که از جمله:

الف- معافیت از مالیات

در بند ک ماده ۶۴ قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم آمده است: «موقوفات و کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی انجمن‌ها و هیئت‌های مذهبی مربوط به اقلیت‌های دینی گفته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشروط به اینکه رسمیت آنها به تصویب وزارت کشور برسد، از پرداخت مالیات معاف است».

ب- رایگان بودن حق انشعاب آب و برق

در تبصره ۱۹ ماده واحد قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور آمده است: «معابد اقلیت‌های دینی شناخته شده، موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی برای یک بار و یک انشعاب از پرداخت حق انشعاب آب، دفع فاضلاب، برق و گاز معاف می‌باشند».

ج- معافیت از حق ثبت

در ماده قانون اصلاح موادی از آیین نامه قانون ثبت آمده است: کلیساها و معابد اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی و کاروانسراهای عباسی و رباط‌ها از حق الثبت معاف هستند. معافیت سایر سازمان‌ها و ارگان‌ها تابع مقررات خاص خود می‌باشد.

د- نامگذاری اسامی خاص

در آیین نامه اجرایی قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه آمده است: افرادی که علاوه بر زبان فارسی به یکی از زبان‌های خاص اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی یا گویش‌های محلی و قومی رایج در بعضی مناطق ایران سخن می‌گویند، مجازند از اسامی خاص متعلق به آن زبان یا گویش در نامگذاری محصولات و مؤسسات و اماکن مربوط به خود در همان مناطق استفاده کنند.

ه- عضویت در نظام پرستاری

تبصره ۱ ماده ۲۲ قانون ایجاد سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران در مورد شرایط انتخاب شوندگان هیئت‌های نظام پرستاری شهرستان‌ها و شورای عالی نظام پرستاری چنین بیان می‌کند: اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تابع احکام دین اعتقادی خود می‌باشند، مشروط به اینکه تجاهر به نقض احکام اسلامی را ننمایند.

همچنین، حق مرخصی برای زندانیان، حق مرخصی در عید مذهبی، حق اخذ پروانه کارشناسی، استخدام در نیروی انتظامی، سردفتر ازدواج و طلاق از دیگر موارد حقوق اجتماعی اقلیت‌ها می‌باشد. (ابراهیمیان، پیشین،

مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه ۱۳۸۲/۱۰/۶ لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص میزان دیه اقلیت‌های مذهبی را بررسی کرد که در این جلسه، مجمع با تأیید نظر مجلس شورای اسلامی رأی به برابری دیه مسلمانان و غیر مسلمانان داد. این تبصره با استناد به نظر رهبر معظم انقلاب، مطرح و تصویب شد. و همچنین است حقوق اقتصادی و مدنی دیگر چون: اصلاح مسئله‌ی ارث اقلیت‌های دینی با حمایت ۱۹۹ نماینده مجلس شورای اسلامی، امکان اشتغال در محیط‌های دولتی، برخورداری از تسهیلات بانکی در انجام کارهای اقتصادی، داشتن مجوز کسب در اصناف مختلف، کسب موافقت‌نامه اصولی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، خرید و فروش آزادانه و تملک اموال منقول و غیر منقول، برقراری حقوق بازنشستگی. (پروین و سپهری فر، پیشین، ۸۵)

۳-۴- حقوق فرهنگی و آموزشی

امروزه شکی نیست که حقوق فرهنگی بعنوان بخش جدا نشدنی حق بشری مورد قبول جامعه بین‌المللی قرار گرفته است زیرا دسته‌ای از حقوق مندرج در اسناد بین‌المللی بویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۱۰} و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به خود اختصاص داده است.

در قانون اساسی نیز بدین صورت است که قانونگذار در نظام حقوقی ایران در اصل سیزدهم با ظرافت خاص و به روشنی این مطلب را پذیرفته است که ایرانیان زرتشتی، کلیمی، مسیحی در تعلیمات دینی طبق آیین خود عمل نمایند. آموزش تعلیمات دینی این سه دین الهی نیز مجاز اعلام می‌شود و پیروان این ادیان حق خواهند داشت که تعلیم آن را یاد بگیرند و یاد بدهند. همچنین، در اصل پانزدهم، استفاده از زبان‌هایی غیر از زبان فارسی در مطبوعات و رسانه‌ها و تدریس ادبیات آن زبان‌ها را در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد اعلام می‌کند. برای نمونه، آموزش زبان ارمنی، در مطبوعات و رسانه‌ها و تدریس آن در مدارس خاص در کنار زبان فارسی مانعی ندارد. اصل سیزدهم قانون اساسی، اجرای مراسم مذهبی و تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی را که در مجموع، آثار و جلوه‌های فرهنگی ویژه دارند، برای اقلیت‌های دینی مذکور، آزاد گذاشته است. برای برخورداری شایسته از این حقوق شناخته شده، آزادی تأسیس و دایر کردن مساجد، کلیساها و کنیسه‌ها از یک طرف، و مدارس دینی و مذهبی مربوط از سوی دیگر، برای هر یک از گروه‌های گفته شده اجتناب ناپذیر خواهد بود. باتوجه به اشاره‌های قانون اساسی به حقوق مذکور، جلوه‌هایی از حقوق آموزشی و فرهنگی که قوانین عادی برای اقلیت‌های دینی در نظر گرفته مواردی از جمله: استفاده از تعطیلات اعیاد مذهبی و مناسبات ویژه اقلیت‌های دینی، تعطیل کردن مدارس خاص کلیمیان در روزهای شنبه، تدریس دروس دینی ارامنه در

^{۱۰}Universal Declaration of Human Right

مدارس آرامنه، حق تأسیس مدارس غیر انتفاعی، حق ورود به دانشگاه، حق تأسیس آموزشگاه، حق انتخاب دروس معارف اسلامی برای اقلیت‌های دینی، حق تأسیس مراکز فرهنگی هستند. باتوجه به موارد گفته شده، روشن است که نظام حقوقی ایران، حقوق فرهنگی و آموزشی را به طور خاص برای اقلیت‌های دینی ساکن در این سرزمین در نظر گرفته است. ممکن است برخی از محدودیت‌ها در بهره‌مندی اقلیت‌ها از حقوق خود با موازین بین المللی، سازگار نباشد که باتوجه به مندرجات اعلامیه ۱۹۹۲ حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی، و زبانی توجیه شدنی است. زیرا این اعلامیه شرط بهره‌مندی از حقوق خاص برای اقلیت‌ها را معایر نبودن با حقوق ملی هر کشور بیان می‌نماید. (سایت انتخابات حوزه، تاریخ رؤیت ۵ اردیبهشت ۱۴۰۰)

۵- موضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به تبعیض نژادی

در کنار اکثریت مسلمان در کشور ایران اقلیت‌های غیر مسلمان نیز وجود دارند که با داشتن تابعیت ایران از اعضای ملت محسوب می‌شوند. اقلیت‌ها ضمن تمایل به برابری با اکثریت مسلمان، خواهان اقدامات حمایتی از سمت دولت ایران هستند که چه در قانون اساسی و چه در قوانین عادی تأکید ویژه‌ای به حقوق آنها شده و مورد حمایت هستند. پذیرش و احترام به تنوع فرهنگی و مذهبی، از ویژگی‌های بارز ایرانیان در طول تاریخ کهن این سرزمین بوده و هست و ایرانیان سالیان زیادی است که حقوق اقلیت‌ها را در کنار اکثریت مسلمان رعایت کرده‌اند و فرهنگ و مذهب در این کشور هرگز زمین مساعدی برای کشت و پرورش تحقیرهای مذهبی و نژادی نبوده است. با مطالعه اصول ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۳، ۲۲، ۱۹، ۱۴، ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان بیان نمود که در این قانون یک سلسله حقوق اساسی از جمله تساوی در برابر قانون، محفوظ بودن جان، مال، شغل، مسکن، آزادی عقیده، انتخاب شغل، برخورداری از روند عادلانه دادرسی، داشتن تابعیت، مشارکت در اداره امور کشور و همانند اینها برای همه افراد و اتباع کشور و شهروندان ایرانی صرف نظر از هر نوع وابستگی قومی، زبانی و مذهبی، به رسمیت شناخته است و همگی بدون هیچ تبعیضی از این حقوق می‌توانند بهره‌مند شوند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سیزدهم که اقلیت‌های دینی رسمی‌را سه دین دین یهودی، مسیحی، زرتشتی، معرفی می‌کند. همچنین، طبق اصل ۱۳ قانون اساسی فقط اینها، دارای ادیان توحیدی هستند بعنوان اقلیت دینی شناسایی می‌شوند. اقلیت‌ها، حق اجرای مراسم و مناسک مذهبی خود را دارند. قانونگذار نیز اجرای مراسم دینی اقلیت‌ها را در حدود قانون آزاد می‌داند، زیرا همراه برخی از اعمال عبادی آنان ممکن است مراسمی باشد که اجرای علنی آن در جامعه مسلمانان حرام و در جمهوری اسلامی خلاف قوانین باشد. در اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی نیز به صراحت بر برابری افراد ملت ایران بدون تمایز حتی زن و مرد تأکید می‌شود. مطابق اصل ۱۹: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز و برتری نخواهد بود و در اصل بیستم، پس از تأکید حمایت یکسان قانون از افراد ملت، با قید رعایت موازین اسلام، برخورداری یکسان از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای همگان به طور برابر مقرر می‌دارد. طبق اصل ۲۲ قانون اساسی حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

ضمانت اجرای تخلف از مفاد اصل ۲۲ قانون اساسی و تمام اصول قانون اساسی را بایستی در حقوق کیفری جست‌وجو کرد زیرا حقوقدانان رابطه‌ی مستقیمی بین حقوق کیفری و رشته‌های دیگر حقوق شناخته و حقوق کیفری را ضامن اجرای آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌دانند. برای نمونه قانون اساسی انجام هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار از متهم را ممنوع می‌داند و مرتکب آنرا مستحق مجازات می‌داند.

رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی بر پایه همزیستی مسالمت آمیز به عنوان شهروند ایرانی مانند سایر افراد جامعه در تمام عرصه‌ها مورد توجه قرار گرفته که منجر به حضور فعال و گسترده این افراد در جامعه شده است. در نتیجه، در قیاس با حقوق اقلیت‌ها در کشورهای غربی می‌توان به این مسئله پی برد که ایران در برخورد با اقلیت‌ها بسیار منصفانه عمل می‌کند و شرایط زندگی و اجرای مراسم و تشریفات مذهبی، آزادی عقیده، آزادی بیان را برای غیرمسلمانان مهیا می‌سازد. (فضلی خانی، ۱۳۹۶: ۱۵۱-۱۴۸)

۶- نتیجه گیری

از دوران باستان تاکنون ایران مهد صلح و هم‌زیستی مسالمت آمیز انواع فرهنگ‌ها، مذاهب و قومیت بوده است و اقلیت‌های مختلف این سرزمین فارغ از هرگونه تبعیضی، بر طبق رعایت موازین حقوق بشری مورد احترام هستند که این مورد به دید فرهنگی مردم ایران به اقلیت‌ها ناشی از عمق تاریخی و فرهنگ اسلامی ایران بر می‌گردد. امروزه در جمهوری اسلامی ایران بالاترین استانداردهای تضمین حقوق بشری برای هموطنان اقلیت وجود دارد که در کمتر کشوری دیده می‌شود که این امر برگرفته از تعالیم انسان دوستانه اسلام است که از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی از حقوق یکسان شهروندی برخوردارند و در انجام فرائض دینی و احوال شخصیه از آزادی و اختیار قانونی برخوردار بوده‌اند.

با بررسی حقوق و امکانات خاص اقلیت‌ها در کشورهای گوناگون درمی‌یابیم که در کشورهای غربی علی‌رغم تصویب قوانین حمایتی در مورد حقوق اقلیت‌های مختلف دولت‌ها در برابر این اقلیت‌ها بسیار سلیقه‌ای عمل کرده و موارد متعدد نقض حقوق اقلیت‌ها و به خصوص شیعیان و زنان شیعه وجود دارد، اما با تأمل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در می‌یابیم که تدوین کنندگان قانون اساسی در نگارش و تصویب قانون اساسی ضمن اساس قرار دادن شرع مقدس نسبت به اسناد بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با اقلیت‌ها نیز بی‌توجه بوده‌اند. در قانون اساسی چنین درمی‌یابیم که، اصول قانون اساسی ایران در برخورد با اقلیت‌های دینی و مذهبی، مبتنی بر عدالت و انصاف است.

این عدالت و انصاف همچنین زمینه‌های مشارکت عمومی اقلیت‌ها را در سطح جامعه فراهم ساخته، بر آن تأکید و توصیه دارد که خود علت حفظ و استمرار هویت گروه‌های اقلیتی در جمهوری اسلامی ایران بوده است.

در یک جمع‌بندی کلی، گروه‌های اقلیت در قانون اساسی را می‌توان از دو جنبه تقسیم‌بندی نمود. یکی محور عقاید (اکثریت شیعه اثنی عشری، اقلیت‌های مذهبی و اقلیت‌های دینی) و دیگری محور قومیت (خصوصیات متفاوت غیر دینی و عمدتاً فرهنگی).

امروزه حقوق اقلیتها نسبت به گذشته افزایش یافته و نسبتاً در وضعیت مطلوبی قرار دارند حال آنکه باید توجه داشت که همه افراد بشر به صرف انسان بودن و به دلیل وجود کرامت انسانی باید دارای حقوق یکسانی باشند و به دور از تبعیض نژادی، قومی، فرهنگی و دینی از آزادی برخوردار باشند.

فهرست منابع و مآخذ

- الف- کتب
- پیشدادی، جمشید (۱۳۷۷)، یادنامه میرزا سروش سهراب، تهران: انتشارات بینا
 - عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۰)، حقوق اقلیت‌ها، چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی
 - مهرپور، حسین (۱۳۸۳)، نظام بین المللی حقوق بشر، جلد اول، تهران: انتشارات اطلاعات
 - هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات میزان
- ب- مقالات
- ابراهیمیان، حجت‌الله، حقوق خاص اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی ایران (با تأکید بر قانون اساسی)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۹۱
 - اخوان، منیره، حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین الملل و جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌نامه حقوق بشری، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۵
 - اکبری، محمدعلی؛ حرآبادی فراهانی، عاطفه، وضعیت آموزش زبان اقلیت‌های دینی در مدارس آنها در عصر پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰ ه.ش)، فصلنامه تاریخ ایران بعد از اسلام، سال ششم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
 - پروین، خیرالدین؛ سپهری فر، سیما، حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی (با تأکید بر امکان، دارایی‌ها و حقوق سیاسی)، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳
 - جاوید، محمدجواد، تبعیض مثبت در اسلام و حقوق اقلیت‌های دینی در حکومت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال هجدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲
 - جعفرپور، علی؛ ترکی دستگردی، اسماعیل، روابط دولت صفویه با اقلیت‌های دینی (یهودیان و زردشتیان)، مجله مسکویه، سال سوم، شماره ۹
 - حبیب زاده، محمدجعفر؛ هوشیار، مهدی، موقعیت‌های دینی در حقوق کیفری ایران در پرتو اصل برابری در مقابل قانون، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۳
 - شرفی طراز کوهی، حسین؛ قره باغی، عبدالله، تحلیل قاعده منع تبعیض نسبت به اقلیت‌ها در حقوق بین الملل، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹
 - علم، محمدرضا؛ دنیاری، سکینه، بررسی نوع پوشش و حجاب زنان در دوره قاجار با نگاهی به آثار سیاحان خارجی این دوره (از پادشاهی آقامحمد خان تا دوران مظفرالدین شاه)، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، سال چهاردهم، شماره ۵۴، پاییز ۱۳۹۸
 - فضلی خانی، اکرم، بررسی حقوق اقلیت‌ها در غرب و ایران، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال دوم، شماره ۷، بهار ۱۳۹۶
 - قاسمی، محمدعلی، اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۲
 - لسانی، حسان الدین، جایگاه اقلیت‌ها در حقوق بین الملل بشر (آخرین دستاوردها)، اندیشه‌های حقوقی، سال اول، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۲

- مایل افشار، فرحناز، بررسی نقش اقلیت‌های قومی/مذهبی در تأمین امنیت (شناخت تهدیدها و فرصت‌ها)، فصلنامه مطالعات اطلاعات و امنیت انتظامی، دوره دوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱
- نادرپور، بابک؛ مقصودی، مجتبی، هویت‌ها، تفاوت‌ها و جهان‌شمولی حقوق بشر (با تأکید بر هویت‌های دینی و قومی ایران)، مجله حقوق بشر، جلد ۸، شماره ۱ و ۲، ۱۳۹۲
- ج- پایگاه‌های اینترنتی

- <https://wikifegh.ir>

- <https://entexabat.hawzah.net>

